

عامل ارتباط محل سکونت عادی در قواعد حل تعارض اتحادیه اروپا و ایران

رضا مقصودی*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲)

چکیده؛

محل سکونت عادی در مقررات اتحادیه‌ی اروپا یک عامل ارتباط مهم در تعارض دادگاه‌ها و تعارض قوانین به‌ویژه در مسائل احوال شخصیه است. آیین‌نامه‌های اتحادیه اروپا که به‌طور مستقیم و بدون نیاز به تصویب مراجع داخلی کشورها لازم‌الاجرا است، به‌طور مکرر از این عامل ارتباط بهره برده و آن را جایگزین عوامل ارتباط سنتی از جمله اقامتگاه در کشورهای کامن‌لا و تابعیت در کشورهای رومی ژرمنی قرار داده است. پذیرش عامل عینی سکونت به‌جای اقامتگاه، قابلیت پیش‌بینی در روابط بین‌المللی را افزایش می‌دهد. درعین حال با تمرکز بر رابطه نزدیک میان اشخاص و قانون قابل اعمال موجب ایجاد انعطاف در قواعد حل تعارض می‌شود و برخلاف تابعیت از اعمال مطلق قانون یک کشور معین جلوگیری می‌نماید. به‌علاوه دادگاه با اعمال ضابطه محل سکونت عادی غالباً به اعمال قواعد مادی قانون مقر دادگاه هدایت می‌شود و از مشکلات استناد و اثبات قانون خارجی رهایی می‌یابد.

کلید واژگان: سکونت عادی، قابلیت پیش‌بینی، انعطاف‌پذیری، رابطه نزدیک، احوال شخصیه.

* استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان: rmaghsoody@guilan.ac.ir

مقدمه؛

قاعده‌ی حل تعارض در دسته‌ی احوال شخصیه در سیستم‌های مختلف از یک یا چند عامل ارتباط مشخص تبعیت می‌کند و مرجع رسیدگی را به اعمال قانون کشور معین هدایت می‌کند. این عامل ارتباط در نزد کشورهای مختلف، متفاوت است و به این ترتیب مصداقی از تعارض صریح بین سیستم‌های حل تعارض محسوب می‌شود. معمولاً از تابعیت و اقامتگاه به عنوان عوامل ارتباط متداول در دسته‌ی احوال شخصیه نام برده می‌شود. به طوری که هر کدام از کشورها از یکی از این دو عامل یا ترکیبی از آن دو به عنوان عامل ارتباط اصلی و فرعی استفاده کرده‌اند.

با توجه به اصول و اهداف بین‌الملل خصوصی، هر کدام از این عوامل ارتباط جذابیت‌هایی به همراه دارد. از یک سو قاعده‌ی حل تعارض باید ثبات و قابلیت پیش‌بینی را در روابط حقوقی تضمین نماید و به اشخاص خصوصی امکان دهد تا پیشاپیش از قانون حاکم بر روابط خصوصی خود آگاهی داشته باشند. تحقق چنین هدفی با اعمال قانون تابعیت محقق می‌شود. از سوی دیگر قاعده‌ی حل تعارض باید با ایجاد انعطاف لازم و انطباق با شرایط خاص هر دعوی در هر دعوی و مصداق در پی اعمال قانونی باشد که ارتباط بیشتری با اصحاب دعوی و موضوع آن دارد. در روزگاری که بسیاری از اشخاص خارج از قلمرو دولت متبوع خود زندگی می‌کنند و حتی برخی به کلی با دولت متبوع خود قطع رابطه کرده‌اند، تحقق این ارتباط از طریق قانون اقامتگاه امکان‌پذیر است.

امروزه با وجود سالیان متمادی از رواج این قاعده‌های حل تعارض، کاربست آن‌ها به دلیل عدم تأمین انتظارات مشروع اشخاص خصوصی، فقدان قابلیت پیش‌بینی، عدم ایجاد انعطاف لازم، عدم تحقق عدالت در روابط خصوصی و نیز ایجاد تبعیض و تقابل با معیارهای حقوق بشر دچار تزلزل و تردید شده است.

این مقاله نشان می‌دهد که تحقق اهداف و اصول مذکور در فوق، حقوق بین‌الملل خصوصی اتحادیه اروپا را به سوی یک ضابطه‌ی عینی که قابل تطبیق با شرایط خاص هر دعوی است، سوق

داده است و کشورهای عضو اتحادیه با توجه به مزایای عامل ارتباط جدید؛ یعنی محل سکونت عادی از اعمال قاعده سنتی مندرج در حقوق داخلی خود صرف نظر کرده‌اند. این مقاله ابتدا عوامل ارتباط تابعیت و اقامتگاه را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. سپس در حقوق اتحادیه اروپا، مستندات اعمال ضابطه محل سکونت عادی و مفهوم آن را تبیین می‌نماید و با بیان مزایا و معایب این عامل ارتباط، به تحلیل قابلیت اعمال آن در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران می‌پردازد.

۱. عوامل ارتباط متداول در احوال شخصیه؛

در وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل خصوصی، اقامت، تابعیت و سکونت سه عامل ارتباط اصلی در مسائل احوال شخصیه است. علاوه بر این سه عامل، حاکمیت اراده و قانون منتخب نیز به‌طور محدود در برخی مسائل احوال شخصیه تجویز شده است. در انگلیس و آمریکا عامل ارتباط نسبت به مسائل احوال شخصیه اقامتگاه است. در حالی که عامل مزبور در سیستم حقوقی ایران و کشورهای اروپای قاره‌ای تابعیت است.

اقامتگاه به‌عنوان وطن دائمی تعریف شده است. در کامن‌لا ارتباط اصلی میان یک شخص و یک محل از طریق اقامتگاه برقرار می‌شود. اقامتگاه یک مسئله‌ی حکمی است. یک شخص در همه‌ی زندگی خود باید یک اقامتگاه داشته و بیشتر از یک اقامتگاه نداشته باشد.^۱ ساوینی^۲ به‌عنوان واضع مکتب آلمانی تعارض قوانین در قرن نوزدهم به مرکز ثقل روابط حقوقی و تعیین پایگاه این روابط توجه داشت. به نظر او حقوق اشخاص باید تابع محل اقامت باشد. چون این محل فاکتور طبیعی پایگاه شخص است.^۳

1. Mcleod, James, "The meaning of ordinary residence and habitual residence in the Common Law provinces in a family law context", http://justice.gc.ca/eng/rp-pr/fl-lf/divorce/rhro_cl/pdf/rhro_cl.pdf, 2006, p.2

2. Savigny

۳. پروین، فرهاد، «نگاهی دیگر به قانون حاکم بر احوال شخصیه بیگانگان مقیم ایران»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۴،

یکی از مشکلات مهم در راه اعمال قانون اقامتگاه، تفسیرهای متعارضی است که از این واژه در کشورهای مختلف وجود دارد. مثلاً اقامتگاه در حقوق انگلیس با آنچه در حقوق ایران و یا کشورهای اروپای قاره‌ای استنباط می‌شود، تفاوت دارد. این تفاوت موجب ایجاد نوعی تعارض است که اصطلاحاً «تعارض عامل ارتباط» نامیده می‌شود. در سیستم حقوقی فرانسه و بسیاری از کشورها که از آن تأثیر پذیرفته‌اند، مرکز مهم امور شخص به عنوان اقامتگاه محسوب می‌شود، اما در حقوق انگلیس، اقامتگاه پیچیدگی بیشتری دارد و ارائه‌ی تعریف مطلق از اقامتگاه تقریباً غیرممکن است. در واقع آنچه حقوقدانان انگلیسی، محل سکونت عادی می‌نامند با مفهوم اقامتگاه در اروپای قاره‌ای مطابقت دارد و آنچه در حقوق انگلیس اقامتگاه نامیده می‌شود با مفهوم تابعیت در ایران و اروپای قاره‌ای شباهت دارد.^۱

اگرچه این عامل ارتباط از دیرباز در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما امروزه قواعد راجع به آن جنبه‌ی مصنوعی و غیرقابل پیش‌بینی یافته است. به طوری که تعیین اقامتگاه اشخاص فقط با تصمیم دادگاه امکان‌پذیر است و اشخاص ذی‌ربط خود رأساً قادر به تعیین اقامتگاه خویش نیستند. در حالی که سکونت به عنوان یک امر موضوعی مستلزم استقرار و رابطه‌ی مداوم میان یک شخص و یک محل است. قواعد حاکم بر اقامتگاه بسیار فنی است و گاهی ارتباط بسیار کمی با محل زندگی شخص دارد. سکونت خود یک عامل ارتباط مستقل در کامن‌لا محسوب نمی‌شود و در سطح تعارض قوانین عمدتاً یک فاکتور برای تعیین ارتباط واقعی و اساسی فرد با یک محل در ذیل عنوان اقامتگاه است.^۲

آیین‌نامه «بروکسل یک» مصوب اتحادیه‌ی اروپا در مورد صلاحیت قضایی و شناسایی و اجرای احکام^۳، اقامتگاه خواننده را در ماده‌ی دو به عنوان معیار اصلی در تعیین صلاحیت قضایی

۱. الماسی، نجادعلی، «تعیین تابعیت و اقامتگاه از دیدگاه تعارض قوانین»، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۲،

۱۳۶۹، صص ۱۵-۱۶.

2. Mcleod, op.cit, p.4

3. Council Regulation (EC) No 44/2001 of 22 December 2000 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters

شناخته بود^۱ و در مقام تبیین مفهوم اقامتگاه، دادگاه‌های کشورهای عضو را به اعمال قانون داخلی خود هدایت کرده بود؛ اما آیین‌نامه‌های بعدی (که فهرست آن در بخش ۲-۱ این مقاله آمده است) حتی در مقام تعارض دادگاه‌ها و تعیین دادگاه صالح از اعمال ضابطه اقامتگاه صرف نظر کردند و محل سکونت عادی را جایگزین آن نمودند.

در مقابل اقامتگاه، تعیین تابعیت هم برای اشخاص ذی ربط و هم اشخاص ثالث آسان‌تر است، اما از آنجا که بسیاری اشخاص در خارج از قلمروی دولت متبوع خود زندگی می‌کنند و با آن رابطه چندانی ندارند، این عامل ارتباط به اجرای قانونی منتهی می‌شود که رابطه چندانی با دعوی ندارد و به علاوه موجب ایجاد تبعیض میان اشخاصی می‌شود که در قلمرو یک دولت سکونت دارند. از سوی دیگر برخی اشخاص بیش از یک تابعیت دارند. در صورتی که یکی از تابعیت‌های چندگانه، تابعیت دولت محل دادگاه باشد، همین تابعیت بر تابعیت‌های دیگر ترجیح می‌یابد؛ اما اگر همه تابعیت‌ها به خارج از دولت محل دادگاه تعلق داشته باشد، دادگاه ناچار است با استفاده از وصف جانشینی قانون مقر دادگاه به اعمال قانونی غیر از قانون تابعیت روی آورد. مطابق این راه حل اجرای قاعده‌ی حل تعارض به بن بست رسیده و قانون مقر دادگاه دارای صلاحیت عمومی است.^۲ مطابق نظر دیگری در این مسئله باید با توسل به معیارهای مختلف در پی تعیین تابعیت مؤثر بود.^۳ از سوی دیگر برخی اشخاص اصلاً فاقد تابعیت هستند. در چنین صورتی نیز به مقتضای وصف جانشینی قانون مقر دادگاه، همین قانون به مورد اجرا گذاشته می‌شود. بدیهی است در این موارد اعمال ضابطه‌ی تابعیت مؤثر یا اعمال قانون مقر دادگاه با همان عیب اقامتگاه؛ یعنی عدم قابلیت پیش‌بینی مواجه خواهد شد. به علاوه فرصت زیادی برای سوءاستفاده از حق انتخاب دادگاه در اختیار خواهان قرار می‌دهد. به طوری که خواهان با اطلاع

1. Subject to this Regulation, persons domiciled in a Member State shall, whatever their nationality, be sued in the courts of that Member State.

۲. خمامی زاده، فرهاد، «تعریف و جایابی عامل ارتباط»، مجله الهیات و حقوق، شماره ۲۸، ۱۳۸۷، ص ۴۵.

۳. الماسی، نجادعلی، پیشین، ص ۲۱.

از اینکه دادگاه قانون مقرر خود را اعمال می‌کند، در محلی به دادخواهی می‌پردازد که قوانین آن بیش از پیش مساعد به حال وی باشد.

مهم‌ترین ضعف تابعیت و اقامتگاه در عدم انعطاف آنهاست. به طوری که قادر به تعیین ارتباط اشخاص با کشور منشأ خود در چارچوب حرکت آزادانه اشخاص نیست. امروزه بیش از ۱۲ میلیون شهروند اتحادیه‌ی اروپا در کشوری غیر از کشور متبوع خود زندگی می‌کنند و اغلب جزئی از محیط اجتماعی کشور محل سکونت خود هستند؛ بنابراین تعیین قانون حاکم بر ازدواج یا وصیت آنان بر طبق قانون کشور متبوع خود نامناسب و ناعادلانه محسوب می‌شود. به علاوه این کار به تبعیض میان شهروندان اتحادیه اروپا منجر می‌شود که در یک کشور سکونت دارند، اما تبعه آن کشور نیستند.^۱

مفهوم محل سکونت عادی به عنوان یک عامل ارتباط تحت تأثیر کنفرانس دائمی لاهه راجع به حقوق بین‌الملل خصوصی ظهور یافت و اولین بار در سال ۱۹۰۲ از آن استفاده شد. کنفرانس دائمی لاهه به عنوان یک سیاست کلی برای جلوگیری از عدم قابلیت انعطاف، هیچ‌گاه مفهوم محل سکونت عادی را تعریف نکرده است. سکونت عادی یک معیار موضوعی و عینی^۲ است که همه اوضاع و احوال مرتبط با هر دعوی خاص را در نظر می‌گیرد و مورد توجه قرار می‌دهد. محل سکونت عادی یک عامل ارتباط مؤثر و ساده است که برای تعیین مناسب‌ترین دادگاه و سرانجام قانون قابل اعمال به اندازه کافی قابل انعطاف است. به علاوه این معیار با تمایلات و گرایش‌های جاری در سطح ملی و بین‌المللی منطبق است.^۳

1. Manko, Rafal, "Habitual residence as connecting factor in EU civil justice measures", http://www.europarl.europa.eu/RegData/bibliotheque/briefing/2013/130427/LDM_BRI, 2013, p.2.

2. Factual and objective

3. Larmon, R., "Habitual Residence and Brussels IIbis: Developing Concepts for European Private International Family Law", *Journal of Private International Law*, Vol. 3, no. 2, 2007, p. 263.

مفهوم سکونت عادی با مفهوم اقامتگاه متفاوت است؛ زیرا اولاً محل سکونت ممکن است متعدد باشد، درحالی که اقامتگاه اصولاً واحد است. ثانیاً رابطه‌ی هر شخصی با محل سکونت خود فقط رابطه‌ای مادی است. درحالی که محل اقامت علاوه بر ایجاد رابطه‌ی مادی بین وی و دولتی معین، ضامن منافع حقوقی و در برخی موارد سیاسی نیز هست. ثالثاً رابطه‌ی شخص با محل سکونت عادی یک رابطه‌ی صرفاً مادی است و به محض اینکه شخص از محل سکونت خود دور شود دیگر ساکن آن محل محسوب نخواهد شد، درحالی که رابطه‌ی شخص با اقامتگاه رابطه‌ای مادی و حقوقی است؛ زیرا ممکن است شخص به مدت طولانی و ممتد در محل اقامت خود حضور فیزیکی نداشته باشد، ولی کماکان مقیم آن محل محسوب خواهد شد. به نظر می‌رسد محل سکونت عادی، جانشین مناسبی به جای تابعیت یا اقامتگاه، برای اشخاص بدون تابعیت یا پناهنده برای برخورداری از حقوق کشور محل سکونت باشد.^۱

۲. سکونت عادی در حقوق اتحادیه‌ی اروپا؛

سکونت عادی در معاهدات و مقررات اتحادیه‌ی اروپا مستندات فراوانی دارد. دیوان دادگستری اروپایی نیز در مواردی تلاش نموده است تا با توصیف این واژه و تعیین شاخص‌های سکونت از ابهامات پیرامون آن بکاهد.

۲-۱. مستندات سکونت عادی در حقوق اتحادیه‌ی اروپا؛

مقررات اتحادیه‌ی اروپا به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌شود. مقررات اولیه‌ی اتحادیه‌ی اروپا و مقررات ثانویه‌ی اتحادیه‌ی اروپا. معاهده‌ی رم که مؤسس جامعه اقتصادی اروپاست جزء مقررات اولیه‌ی است و مهم‌ترین سند در اتحادیه‌ی اروپاست. معاهده‌ی لیسبون نام این معاهده را تغییر داده است و اکنون با نام معاهده کارکرد اتحادیه‌ی اروپا (TFEU) شناخته می‌شود.

۱. ابراهیمی، سید نصرالله، حقوق بین‌الملل خصوصی: کلیات، تابعیت، اقامتگاه، وضعیت بیگانگان و پناهندگی، استرداد مجرمین و سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، چاپ هفتم، انتشارات سمت، ۱۳۹۵، ص ۱۵۱.

حقوق ثانویه مقرراتی است که توسط نهادهای ذیصلاح اتحادیه شامل پارلمان و شورای اروپا صادر می‌شود و مبتنی بر ماده ۲۸۸ معاهده‌ی کارکرد اتحادیه‌ی اروپاست. بند یک ماده ۲۸۸ این معاهده مقرر می‌دارد که نهادهای اتحادیه می‌توانند مقرراتی را تحت عنوان آیین‌نامه^۱، دستورالعمل^۲، ... صادر نمایند. این مقاله عمدتاً بر آیین‌نامه‌های اتحادیه اروپا متمرکز است. بر طبق ماده ۲۸۸ معاهده اتحادیه‌ی اروپا یک آیین‌نامه دارای قابلیت اعمال کلی خواهد بود. در کلیت خود ایجاد الزام نموده و به‌طور مستقیم در کشورهای عضو قابل اعمال است.^۳

واژه‌ی سکونت در حقوق اولیه‌ی؛ یعنی معاهدات اتحادیه اروپا مورد استفاده قرار گرفته است. بند ۲ ماده ۲۰ معاهده راجع به کارکرد اتحادیه‌ی اروپا (TFEU) به شهروندان اتحادیه حق حرکت و سکونت آزادانه در قلمرو کشورهای عضو می‌دهد. در ادامه، این ماده به شهروندان اتحادیه‌ی اروپا حق رأی و کاندیداتوری در انتخابات پارلمان اروپا و انتخابات شهرداری در کشور عضو محل سکونت را می‌دهد.^۴

در بسیاری از منابع ثانویه‌ی حقوق اتحادیه‌ی اروپا از واژه‌ی محل سکونت عادی استفاده شده است. به‌طور خاص در آیین‌نامه‌های بین‌المللی خصوصی اتحادیه‌ی اروپا - حتی خارج از دسته‌ی

-
1. Regulation
 2. Directive
 3. A regulation shall have general application. It shall be binding in its entirety and directly applicable in all Member States
 4. Article 20(ex Article 17 TEC)
 1. Citizenship of the Union is hereby established. Every person holding the nationality of a Member State shall be a citizen of the Union. Citizenship of the Union shall be additional to and not replace national citizenship.
 2. Citizens of the Union shall enjoy the rights and be subject to the duties provided for in the Treaties. They shall have, inter alia:
 - (a) the right to move and reside freely within the territory of the Member States;
 - (b) the right to vote and to stand as candidates in elections to the European Parliament and in municipal elections in their Member State of residence, under the same conditions as nationals of that State;
- (<http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=celex%3A12012E%2FTXT>)

احوال شخصیه- محل سکونت عادی به عنوان عامل ارتباط اصلی یا فرعی استفاده شده است.
از جمله:

ماده ۴ (۱) آیین نامه قانون قابل اعمال بر تعهدات قراردادی (کنوانسیون رم یک) مصوب ۲۰۰۸؛^۱
ماده ۴ (۲) آیین نامه قانون قابل اعمال بر تعهدات غیر قراردادی (کنوانسیون رم دو) مصوب ۲۰۰۷؛^۲
ماده ۸ (۱) آیین نامه قانون قابل اعمال بر طلاق و تفریق جسمانی (کنوانسیون رم سه) مصوب
۲۰۱۰؛^۳

ماده ۳ (۱) آیین نامه صلاحیت و شناسایی و اجرای احکام در امور زوجین و مسئولیت والدین
(بروکسل دو) مصوب ۲۰۰۳؛^۴

بند (۱) و (۲) ماده ۳ آیین نامه صلاحیت، قانون قابل اعمال، شناسایی و اجرای احکام در امور نفقه
مصوب ۲۰۰۹؛^۵

ماده ۴ و ماده ۲۱ (۱) آیین نامه صلاحیت، قانون قابل اعمال، شناسایی و اجرای احکام در ارث
مصوب ۲۰۱۲؛^۶

1. REGULATION (EC) No 593/2008 OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 17 June 2008 on the law applicable to contractual obligations (Rome I)
2. REGULATION (EC) No 864/2007 OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 11 July 2007 on the law applicable to non-contractual obligations (Rome II)
3. COUNCIL REGULATION (EU) No 1259/2010 of 20 December 2010 implementing enhanced cooperation in the area of the law applicable to divorce and legal separation
4. COUNCIL REGULATION (EC) No 2201/2003 of 27 November 2003 concerning jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in matrimonial matters and the matters of parental responsibility, repealing Regulation (EC) No 1347/2000
5. COUNCIL REGULATION (EC) No 4/2009 of 18 December 2008 on jurisdiction, applicable law, recognition and enforcement of decisions and cooperation in matters relating to maintenance obligations
6. REGULATION (EU) No 650/2012 OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 4 July 2012 on jurisdiction, applicable law, recognition and enforcement of decisions and acceptance and enforcement of authentic instruments in matters of succession and on the creation of a European Certificate of Succession

۲-۲. تعریف محل سکونت عادی در حقوق اتحادیه‌ی اروپا؛

علی‌رغم کاربرد گسترده‌ی محل سکونت عادی، هیچ تعریفی از آن در سطح معاهدات اتحادیه‌ی اروپا وجود ندارد. در سطح منابع ثانویه نیز تعریف این واژه بسیار کمیاب است. آیین‌نامه‌ی شماره ۷۱/۱۴۰۸ مصوب ۱۹۷۱ درباره‌ی امنیت اجتماعی کارگران و خانواده‌ی آنان در جامعه‌ی اروپایی یک تعریف بسیار مختصر در ماده ۱(h) ارائه می‌کند که سکونت به معنای سکونت عادی است.^۱ در حوزه‌ی حقوق بین‌الملل خصوصی در بند یک ماده ۱۹ آیین‌نامه‌ی رم یک درباره‌ی قانون قابل اعمال بر تعهدات قراردادی و بند ۲ ماده ۲۳ آیین‌نامه‌ی رم دو درباره‌ی قانون قابل اعمال بر تعهدات غیرقراردادی مقرر شده است که محل سکونت عادی یک شخص که در چارچوب فعالیت تجاری خود اقدام می‌کند، مکان اصلی تجارتهی او خواهد بود.

عدم تعریف محل سکونت عادی در مقررات مذکور از روی عمد و آگاهی بوده است. برخلاف تابعیت و اقامتگاه، محل سکونت عادی مفهوم حقوقی و حکمی نیست، بلکه ضابطه‌ای موضوعی^۲ است که مستلزم بررسی دقیق اوضاع و احوال هر دعوی خاص است.^۳ در چارچوب آیین‌نامه‌ی بروکسل دو دادگاه‌ها در انگلیس و ولز، ضوابط زیر را برای تعیین محل سکونت عادی معرفی کرده‌اند:

۱- محل سکونت عادی عمدتاً برحسب مرکز منافع شخص (و نه طول مدت خاصی از سکونت) تعیین می‌شود. ۲- اگرچه ممکن است شخصی در یک مقطع زمانی خاص در بیش از یک کشور

1. Residence means habitual residence

2. Factual criterion

3. Rohová, Iveta, Drličková Klára, "Habitual residence as a single connecting factor under the succession Regulation", Scientific Cooperation's International Journal of Law and Politics, <http://ase-scoop.org/journals/jLawAndPolitics/papersLaw/9.Rohova.pdf>, 2013, p.111

سکونت داشته باشد، اما تنها می‌تواند در یک کشور عضو اتحادیه اروپا سکونت عادی داشته باشد.^۱

۲-۳. مفهوم محل سکونت عادی در آیین‌نامه‌ی ارث اتحادیه‌ی اروپا؛

در این میان محل سکونت عادی موقعیت برجسته‌ای در آیین‌نامه‌ی ارث اتحادیه‌ی اروپا دارد. ماده ۴ این آیین‌نامه مقرر می‌دارد که اصولاً دادگاه کشور محل سکونت عادی متوفی در زمان فوت بر کلیه‌ی دعاوی ارث صلاحیت دارد.^۲ بر طبق بند یک ماده ۲۱ آیین‌نامه، قانون قابل اعمال نیز اصولاً قانون محل سکونت عادی متوفی است.^۳

سکونت عادی در آیین‌نامه‌ی ارث هم ضابطه‌ی صلاحیت قضایی و هم ضابطه‌ی صلاحیت قانونی است؛ زیرا هدف ایجاد هماهنگی میان دادگاه صالح و قانون صالح بوده است، اما از آنجاکه هیچ تعریفی از واژه‌ی سکونت عادی در آیین‌نامه وجود ندارد، باید مستقل از آیین‌نامه تعریف شود. تأکید فراوان بر روی سکونت عادی مخصوصاً در بندهای ۲۳ و ۲۴ مقدمه آیین‌نامه نشان می‌دهد که احتمالاً مفهوم سکونت عادی در آیین‌نامه ارث دقیقاً با آیین‌نامه‌های اروپایی دیگر مشابه نیست. سکونت عادی به مفهوم مرکز منافع در بیشتر موارد هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند و تعیین آن پیچیده نخواهد بود، اما مشکلات در جایی ایجاد می‌شود که متوفی در زمان واحد در بیش از یک کشور سکونت دارد یا محل سکونت خود را در سال‌های قبل از فوت تغییر داده است.^۴

1. Frimston Richard, Odersky Felix, *EU Regulation on Succession and Wills Commentary*, selliereuropean law publishers, by Verlag Dr. Otto Schmidt KG, Köln, Germany, 2015, p.6.

2. The courts of the Member State in which the deceased had his habitual residence at the time of death shall have jurisdiction to rule on the succession as a whole.

3. Unless otherwise provided for in this Regulation, the law applicable to the succession as a whole shall be the law of the State in which the deceased had his habitual residence at the time of death.

4. Odersky Felix, *EU Regulation on Succession and Wills Commentary*, selliereuropean law publishers, by Verlag Dr. Otto Schmidt KG, Köln, Germany, 2015, p.68

آیین‌نامه‌ی ارث اولین سند بین‌المللی خصوصی در اتحادیه‌ی اروپاست که صراحتاً فهرستی از معیارها را مقرر می‌دارد که باید در مقام تعیین محل سکونت عادی متوفی مورد توجه قرار گیرد. طرح اولیه‌ی آیین‌نامه متضمن هیچ تعریف یا شاخصی برای تعیین محل سکونت عادی نبود. دادگاه‌های ملی می‌بایست در زمان اعمال این مصوبه محل سکونت عادی را بر مبنای تحلیل مورد به مورد مشخص می‌کردند. در اثر انتقادات فراوان نهایتاً یک مصالحه انجام گرفت و در مقدمه‌ی آیین‌نامه در بندهای ۲۳ و ۲۴ ضابطه‌هایی برای تعیین محل سکونت عادی مقرر شد.

بر طبق این یادداشت در زمان ارزیابی محل سکونت عادی همه اوضاع و احوال زندگی متوفی چه در لحظه فوت و چه قبل از آن باید مورد توجه قرار گیرد. سکونت عادی باید بر یک «رابطه‌ی نزدیک و باثبات» با یک کشور مبتنی باشد. فاکتورهایی که باید مورد توجه قرار گیرد شامل طول مدت، توالی مدت و شرایط و دلایل حضور در یک کشور است. محل سکونت عادی در کشور مبدأ می‌تواند از طریق علایق و پیوندهای اجتماعی و خانوادگی علی‌رغم مسافرت به خارج از کشور حفظ شود. در مورد اشخاصی که در کشورهای مختلف زندگی کرده‌اند یا بین کشورهای مختلف بدون حضور دائمی مسافرت کرده‌اند، تابعیت متوفی می‌تواند یک عامل تعیین‌کننده در تعیین محل سکونت عادی متوفی باشد.^۱

بنابراین مفهوم محل سکونت عادی مبین یک رابطه‌ی نزدیک و باثبات با کشور مربوطه است و از این نظر با رأی سال ۲۰۰۹ دیوان دادگستری اروپایی در پرونده‌ی C-523/074 که متعاقباً بررسی می‌شود، منطبق است.

آیین‌نامه در نهایت وضعیت‌هایی را متذکر می‌شود که علی‌رغم شاخص‌های ذکر شده‌ی تعیین محل سکونت عادی متوفی دچار ابهام و پیچیدگی است. بند ۲۴ مقدمه آیین‌نامه در این موضوع حکم خاصی مقرر داشته است. برای مثال درجایی که متوفی به دلایل اقتصادی و حرفه‌ای برای مدت طولانی در خارج از کشور زندگی می‌کند، اما رابطه‌ی نزدیک و باثبات با کشور مبدأ خود

1. Manko, Rafal, op.cit, p.2

را حفظ کرده است. در چنین موردی با توجه به اوضاع و احوال هر دعوی می‌توان محل سکونت عادی متوفی را همچنان کشور مبدأ وی قلمداد کرد که مرکز علایق خانوادگی و زندگی اجتماعی متوفی در آن واقع بوده است. یکی دیگر از موارد پیچیدگی درجایی است که متوفی در چند کشور به طور متناوب زندگی می‌کند یا از یک کشور به کشور دیگر بدون استقرار دائمی در حال مسافرت است. اگر متوفی تبعه‌ی یکی از آن کشورها بوده است یا دارایی اصلی وی در یکی از آن کشورها قرار داشته است، تابعیت یا محل وقوع دارایی متوفی می‌تواند در مقام ارزیابی همه اوضاع و احوال عینی به عنوان یک عامل خاص مورد توجه قرار گیرد.^۱

۲-۴. سکونت عادی در رویه‌ی قضایی دیوان دادگستری اروپایی؛

در غیاب تعریف محل سکونت عادی در مقررات اتحادیه‌ی اروپا، دیوان دادگستری اروپایی به طور مکرر به تفسیر عبارت محل سکونت در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اتحادیه‌ی اروپا اقدام کرده است. دیوان در سال ۱۹۹۲ در دعوی Benzler در مقام اعمال آیین‌نامه 71/1408 تأکید نمود که محل سکونت عادی محلی است که شخص مربوطه در آن استقرار دارد و قصد ماندن در آن را دارد و مرکز دائمی یا عادی منافع وی در آنجاست. اشکال این تفسیر آن است که با دخالت عنصر ذهنی قصد اشخاص به مفهوم اقامتگاه در کاملاً نزدیک شده است. در سال ۱۹۹۱ در دعوی Ryborg در چارچوب تفسیر دستورالعمل 83/182/EEC مقرر شد که اولاً سکونت عادی و سکونت معمولی^۲ هر دو معنی یکسانی دارند. ثانیاً سکونت عادی در محلی است که مرکز دائمی منافع شخص در آنجا قرار دارد. به‌زعم دیوان برای تعیین این محل همه‌ی عناصر مرتبط شامل علایق خانوادگی یا روابط دیگر اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد.^۳

1. (<http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A32012R0650>)

2. Normal residence, Habitual residence

3. Wouters Jan, "Residence of individual in EU law, Institute for international law", working paper No 148, 2010, p.5

دادستان کل دیوان در سال ۱۹۹۹ در استنتاج خود از دعوی Swaddling اظهار داشت که این نمونه‌ها از حوزه‌های مختلف حقوقی ثابت می‌کند که محل سکونت در قواعد گوناگون جامعه‌ی اروپا مبنای مفهومی یکسانی دارد؛ یعنی بر این اعتقاد استوار است که کشور محل سکونت کشوری است که شخص نسبت به آن «پیوندهای اجتماعی»^۱ خود را شکل داده است و ارتباط وی با آن محل قوی‌تر و باثبات‌تر از ارتباط او با هر کشور دیگر است.^۲

دیوان دادگستری اروپایی در چارچوب حقوق بین‌الملل خصوصی به تبیین مفهوم محل سکونت عادی کودک اقدام نموده است. دیوان در مقام اعمال آیین‌نامه‌ی بروکسل دو در دعوی مشهور C-523/07A در سال ۲۰۰۹ ابتدا بر ضرورت تفسیر این مفهوم مستقل از حقوق داخلی کشورهای عضو و با رعایت چارچوب و اهداف کل سند تأکید نمود و مقرر داشت که در این رابطه نمی‌توان به قوانین داخلی کشورها مراجعه نمود. رأی دیوان که در مقام اعمال آیین‌نامه‌ی صلاحیت و شناسایی و اجرای احکام در امور زوجین و مسئولیت والدین صادر شده است بر اهمیت یکپارچگی محیط اجتماعی و خانوادگی کودک تأکید نموده و تصریح می‌نماید که صرف حضور فیزیکی برای تحقق محل سکونت عادی کافی نیست. مسئله‌ی محل سکونت عادی باید توسط دادگاه‌های ملی در پرتو اوضاع و احوال واقعی و موضوعی هر دعوی خاص تصمیم‌گیری شود. بر طبق نظر دیوان عواملی شامل طول مدت، توالی حضور، شرایط و دلایل حضور کودک در یک محل خاص، تابعیت کودک، محل مدرسه‌ی کودک، زبان مورد تکلم کودک و نیز روابط اجتماعی و خانوادگی در تعیین این محل مؤثر است.^۳ رویه‌ی قضایی دیوان دادگستری اروپا در حوزه‌های دیگر حقوقی می‌تواند در تبیین مفهوم این واژه در بین‌الملل خصوصی مورد استفاده قرار گیرد. در قلمروی امنیت اجتماعی دیوان تأکید نمود که محل سکونت عادی، معنای مستقلی در حقوق اتحادیه‌ی اروپا دارد و این مفهوم با مرکز عادی منافع

1. Social attachments

2. Ibid, p.7

3. Rohová, Iveta, DrličkováKlára, op.cit, p.2

اشخاص منطبق است. مضافاً اینکه به منظور ارزیابی محل سکونت عادی طول مدت سکونت، طول مدت غیبت و هدف آن و نیز قصد صریح اشخاص باید مورد بررسی قرار گیرد. دیوان دادگستری اروپا در چارچوب آیین‌نامه‌ی استخدامی کارکنان اتحادیه‌ی اروپا نیز مقرر داشت که محل سکونت عادی محلی است که به عنوان مرکز منافع اشخاص با قصد اعطای ویژگی دائمی تعیین شده است.^۱

به این ترتیب نه تنها در مقررات اتحادیه‌ی اروپا بلکه حتی در آراء دیوان دادگستری اروپایی تعریف مشخص برای محل سکونت عادی وجود ندارد. حتی هیچ ضابطه‌ی قطعی و تخلف‌ناپذیر برای تعیین این محل ارائه نشده است. دادگاه‌های ملی کشورهای عضو در پرتو اوضاع و احوال هر دعوی می‌بایست به تعیین محل سکونت عادی بپردازند.

۳. دلایل توجیهی استفاده از محل سکونت عادی در بین‌الملل خصوصی؛

دلایل اجرای این عامل ارتباط در پرتوی رعایت اصل مجاورت (رابطه‌ی نزدیک میان دعوی و قانون حاکم) و اصل عدم تبعیض قابل توجیه است.

۱-۳. سکونت عادی و اصل مجاورت (رابطه‌ی نزدیک)؛

در گذشته تئوری مجاورت و ضرورت رابطه‌ی نزدیک میان دعوی و قانون حاکم برای توجیه اعمال قانون محل اقامت به کار می‌رفت. هرچه اقامت در کشور دیگری طولانی شود، پیوند با دولت متبوع ضعیف‌تر می‌شود. اعمال قانون محل اقامت نه تنها عقب‌ماندگی نیست، بلکه نشانه‌ی پیشرفت است. حتی کشورهایی مانند سوئیس که به طور کلاسیک احوال شخصیه را تابع قانون ملی می‌دانستند، از فاکتور محل اقامت بیش‌ازپیش استفاده می‌کنند.^۲

1. Manko, Rafal, op.cit, p.3.

۲. پروین، فرهاد، پیشین، ص ۳۲۴.

تئوری مجاورت (Proximate) توجیه اعمال قانون فرانسه در طلاق اتباع خارجی مقیم فرانسه است. این تئوری بیانگر وابستگی یک رابطه‌ی حقوقی با سازمان حقوقی کشوری است که نزدیک‌ترین پیوند را با آن دارد. احترام به انتظارات مشروع طرفین و تعادل منافع دولت‌ها در اداره‌ی یک وضعیت حقوقی از مزایای این تئوری است. راه‌حل ناشی از این دیدگاه به عدالت نزدیک‌تر است و به‌جای عامل مجرد و غیرعینی به عوامل عینی توجه دارد.^۱

محل سکونت عادی بیش از اقامت و تابعیت هدف مجاورت^۲ را تأمین می‌کند و غالباً با محلی انطباق دارد که زندگی شخص در آنجا متمرکز بوده است.^۳ در چارچوب تعیین قانون حاکم بر ارث اصل مجاورت مستلزم آن است که تعیین مکان ارث و قانون حاکم بر آن با ملاحظه همه عناصر واقعاً مرتبط انجام گیرد. غالباً قواعد حل تعارض ارث تلاش می‌کند تا با اجتماع منافع اشخاص ذی‌ربط در ارث، میان اراده‌ی متوفی و منافع اعضای خانواده یعنی وراثت تعادل ایجاد نماید، اما شخص خالق میراث (مورث) در این میان دارای اولویت است. این اولویت و تقدیم موجب غلبه‌ی اراده مورث نسبت به وراثت در تعیین قانون حاکم بر ارث است. ایده‌ی مجاورت اقتضاء دارد تا در صورت عدم انتخاب قانون حاکم توسط مورث، قانون آخرین کشور محل سکونت عادی متوفی اعمال شود.^۴

از آنجا که اصل مجاورت معادل اصل نزدیک‌ترین ارتباط^۵ در بین الملل خصوصی است، بنابراین اصل مزبور می‌تواند در توجیه محل سکونت عادی به‌عنوان عامل ارتباط اصلی مورد استفاده قرار گیرد. به‌علاوه اصل مجاورت در توجیه مستثنیات محل سکونت عادی نیز به کار می

۱. همان، ص ۳۲۴.

2. Aim of Proximity

3. Lagarde Paul, *EU Regulation on Succession and Wills Commentary*, sellier european law publishers, by Verlag Dr. Otto Schmidt KG, Köln, Germany, (2015), p.30

4. Popescu, Dan Andrei, "Guide on international private law in successions matters", Publishing House acknowledged by the Ministry for National Education through the National Council of Scientific Research in Higher Education (CNCSIS) – Code 345, 2014, p.42

5. The Closest Connection

رود؛ یعنی اگر قانون کشوری که با استفاده از معیار محل سکونت عادی تعیین شده است، ارتباط ضعیفی با دعوی داشته و کشور دیگر آشکارا ارتباط نزدیک تری داشته باشد، قانون کشور اخیر اعمال می شود.^۱

۲-۳. اصل عدم تبعیض؛

ممنوعیت تبعیض یک اصل اساسی در نظم حقوقی اتحادیه‌ی اروپا است. به زعم دیوان دادگستری اروپایی در سال ۱۹۷۷ اصل رفتار یکسان مستلزم آن است که با وضعیت‌های مشابه نباید به طور متفاوت برخورد شود مگر اینکه وجود تفاوت‌هایی به طور عینی آن را توجیه نماید.^۲

ممنوعیت تبعیض بیش از هر چیز استفاده از ضابطه‌ی تابعیت در حوزه‌های مختلف حقوقی را تحت تأثیر قرار داده است. بر همین اساس ماده ۱۸ معاهده‌ی کارکرد اتحادیه‌ی اروپا^۳ مقرر می‌دارد در محدوده‌ی اعمال این معاهده و بدون اخلاف به هر گونه مقررات خاص مندرج در آن هر گونه تبعیض بر مبنای تابعیت ممنوع خواهد بود. یادداشت توضیحی^۴ آیین‌نامه‌ی اتحادیه‌ی اروپا در مورد صلاحیت و قانون قابل اعمال بر ارث در مقام توجیه استفاده از محل سکونت عادی علاوه بر اینکه این محل را با مرکز منافع متوفی منطبق می‌داند مقرر می‌دارد که استفاده از این معیار برای ایجاد یکپارچگی در میان کشورهای عضو مناسب‌تر است و از هر گونه تبعیض بین اشخاصی که سکنه‌ی یک کشور هستند ولی تابعیت آن را ندارند، جلوگیری می‌کند؛^۵ بنابراین اصل عدم تبعیض با کنار نهادن عامل تابعیت، فضای مناسبی برای اعمال قانون محل سکونت عادی ایجاد می‌کند، اما آنچه امروزه بیش از پیش مورد توجه است مفهوم تبعیض مخفی یا

1. Symeonides, "Codification and Flexibility in Private International Law", General Reports of the XVIIIth Congress of the International Academy of Comparative Law, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1945924>, 2011, p.32

2. Wouters, op.cit, 7

3. Treaty on the Functioning of the European Union (TFEU)

4. Explanatory Memorandum

5. Recital 23 of the Regulation

غیرمستقیم است. اصل عدم تبعیض بر مبنای تابعیت یا تساوی برخورد میان اتباع داخلی و اتباع بیگانه همه‌ی اشکال تبعیض مخفی را که با اعمال معیارهای متفاوت به همان نتیجه منتهی می‌شود، ممنوع می‌سازد. اگر قوانین ملی از ضوابطی استفاده کنند که در بادی امر خنثی به نظر برسد، اما در واقع اثری تبعیض‌آمیز داشته باشد، تبعیض غیرمستقیم یا مخفی واقع شده است؛ بنابراین وجود تبعیض مخفی به آثار عملی یک قانون وابسته است.^۱

ایجاد ارتباط میان مفهوم تبعیض مخفی و شرط سکونت بسیار آسان است. شرط سکونت برحسب ماهیت خود می‌تواند اثر تبعیض‌آمیز داشته باشد. اصل بنیادی آن است که هر قاعده‌ی دارای عنصر سرزمینی احتمالاً تبعیض‌آمیز است؛ زیرا تحقق این شرط توسط اتباع داخلی کشور عضو آسان‌تر از اتباع بیگانه است؛ زیرا اتباع داخلی به احتمال بیشتر در کشور خود سکونت دارند. دیوان دادگستری اروپایی در سال ۲۰۰۷ به همین مفهوم استناد نمود و مقرر داشت که یک قانون حتی اگر نسبت به همه قابل اعمال باشد و حقی را به سکونت در یک کشور عضو مشروط نماید و به این ترتیب در مقایسه با خارجی‌ان به نفع اتباع آن کشور باشد، مغایر با اصل عدم تبعیض مقرر در ماده ۱۸ معاهده‌ی کارکرد اتحادیه‌ی اروپا خواهد بود؛ بنابراین یک قاعده‌ی ایتالیایی که مقرر می‌داشت دادرسی کیفری باید به زبان شخص متهم انجام گیرد مشروط بر اینکه آن شخص در آن حوزه‌ی قضایی سکونت داشته باشد، مغایر با قاعده‌ی کلی عدم تبعیض شناخته شد؛ زیرا در مقایسه با اتباع کشورهای دیگر، به نفع اتباع کشور میزبان محسوب می‌شود. با این وجود اصل تناسب و نیز شرط آمره‌ی منافع عمومی همواره به عنوان ضابطه‌ای برای کنار زدن اصل عدم تبعیض مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۲

اگرچه اعمال ضابطه‌ی محل سکونت در حوزه‌های خدمات اجتماعی از قبیل پرداخت بیمه‌ی بیکاری و یا حتی در فرآیند دادرسی کیفری ممکن است به تبعیض مخفی و غیرمستقیم نسبت به اتباع خارجی منجر شود، اما در قلمروی بین‌الملل خصوصی این قاعده نه تنها مورد انتقاد نبوده

1. Ibid, p.10

2. Ibid, p.13

بلکه بارها توسط پارلمان و شورای اروپا و دیوان دادگستری اروپایی مورد استفاده قرار گرفته است. در واقع این ضابطه نه تنها در ظاهر بلکه در واقع نیز خنثی و بی طرف است. قاعده‌ای دوجانبه که با رعایت اعمال قانون دارای رابطه‌ی نزدیک با دعوی، مرجع رسیدگی را به اعمال قانون مقرر دادگاه یا قانون کشور خارجی هدایت می‌کند.

۴. بررسی معایب و مزایای معیار محل سکونت عادی؛

با وجود ارائه‌ی برخی معیارها برای تبیین و تشخیص مفهوم محل سکونت عادی، همچنان این عامل ارتباط به دلیل ابهام موجود در آن و فقدان تعریف واحد و متحدالشکل مورد انتقاد است. این انتقاد مخصوصاً از جانب حقوقدانان آلمانی انجام می‌شود که به‌طور سنتی از عامل ارتباط تابعیت استفاده می‌کردند. در عامل تابعیت ثبات و قابلیت پیش‌بینی تا حد زیادی تضمین می‌شود. آن سیستم حقوقی که با این ضابطه خو گرفته است، به‌طور طبیعی در مقابل معیارهای منعطف که با توجه به اوضاع و احوال خاص هر دعوی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، واکنش منفی نشان می‌دهد.^۱

انتقاد دیگر آن است که عامل ارتباط محل سکونت عادی، خواهان را قادر می‌سازد تا به‌طور عمدی و با نیت قبلی محل سکونت خود را به‌منظور اجتناب از اعمال قواعد آمره قابل اعمال تغییر دهد و از اجرای قانون اصولاً صلاحیت‌دار امتناع نماید. تغییر ارادی عامل ارتباط به‌منظور گریز از قانون صلاحیت‌دار مفهومی آشنا در حقوق بین‌الملل خصوصی است که تحت عنوان تقلب نسبت به قانون مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به‌علاوه ممکن است قانون کشور محل سکونت عادی جنبه‌ی اتفاقی و تصادفی داشته باشد و هیچ‌گونه ارتباط واقعی با مناسبات اقتصادی و اجتماعی اصحاب دعوی نداشته باشد و آن‌ها اصلاً با قانون آن محل آشنا نباشد.^۲

1. Rohova, Drlickova, op.cit, p.113

2. Pfeiffer, "Several Remarks on the Applicable Law under the Proposed EU Regulation of Succession Law". Ad Notam, Vol. 17, No. 1, 2012, p.12

طرفداران استفاده از معیار محل سکونت عادی همه‌ی انتقادات وارد شده را مبالغه و زیاده‌روی می‌دانند. مفهوم محل سکونت عادی به‌تازگی ابداع نشده است، بلکه در طی دهه‌های مختلف به‌عنوان عامل ارتباط برای تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم در اسناد بین‌المللی مخصوصاً کنوانسیون‌های لاهه مورد استفاده قرار گرفته است. این عامل ارتباط با ملاحظه‌ی معایب و انتقادات وارد بر عامل تابعیت و اقامتگاه مورد استقبال دولت‌های مختلف قرار گرفته است. تابعیت با وجود قابلیت پیش‌بینی موجود در آن برای مشکلاتی از قبیل بی‌تابعیتی و تابعیت مضاعف راه حل دقیق و جهان‌شمول ندارد و در جهان امروز در بسیاری موارد بازتاب وجود یک رابطه‌ی واقعی میان شخص و قانون قابل اعمال نیست؛^۱ زیرا بسیاری اشخاص در کشوری غیر از کشور متبوع خود زندگی می‌کنند و تعلق و دلبستگی آنان با کشور متبوع خود کمرنگ شده است. در طرح پیشنهادی^۲ اتحادیه‌ی اروپا برای آیین‌نامه‌ی قانون حاکم بر ارث هر دو عامل تابعیت و محل سکونت عادی به‌عنوان عامل ارتباط پیشنهاد شده بود، اما در پاسخ بسیاری کشورها و سازمان‌ها استفاده از محل سکونت عادی را به‌جای تابعیت توصیه نمودند.^۳

همچنین عادی بودن محل سکونت بر درجه‌ی خاص و مقدار معینی از ثبات، تداوم حضور و مدت معینی از زمان دلالت می‌کند؛ یعنی این وصف وجود یک رابطه‌ی واقعی میان یک شخص و قلمروی محل سکونت وی برقرار می‌کند و از اتفاقی و تصادفی بودن اعمال قانون چنین محلی جلوگیری می‌نماید. عادی بودن محل سکونت خطر تغییر هدفمند محل سکونت به‌قصد تغییر قانون قابل اعمال را برطرف می‌کند.^۴

معیار محل سکونت عادی در مقایسه با سایر عوامل ارتباط دارای مزایای متعددی است. این معیار به نحو بهتری بازتاب واقعیات اجتماعی و اقتصادی دنیای امروز است. در نتیجه اصل سکونت بهتر از تابعیت و اقامت با نزدیک‌ترین رابطه‌ی اصحاب دعوی منطبق است.

۱. ابراهیمی، سید نصرالله، پیشین، ص ۱۵۱.

2. Green paper

3. Rohova, Drlickova, op.cit, p.110.

4. Ibid, p.114.

۵. محدودیت‌های اعمال قانون محل سکونت عادی؛

علی‌رغم توجه محل سکونت عادی بر مبنای ارتباط نزدیک گاهی رابطه‌ی حقوقی معین به‌طور استثنایی با کشور دیگری ارتباط بیشتری دارد و گاهی نیز قواعد حل تعارض کشور محل سکونت عادی صلاحیت قانونی را به یکی از کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا احاله می‌دهد.

۵-۱. شرط معافیت یا استثناء؛

دو اصل اساسی قابلیت پیش‌بینی و انعطاف‌پذیری در بسیاری از مصوبات اتحادیه‌ی اروپا مورد توجه بوده است. قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی باید بین دو خصوصیت فرعی متفاوت و قدرتمند یعنی قابلیت پیش‌بینی و قابلیت انعطاف، تعادل برقرار نماید. یک قاعده‌ی خوب حقوق بین‌الملل خصوصی باید چنان قابل انعطاف باشد که با واقعیات دعوی مطروحه منطبق گردد. تنها در این صورت است که نتایج منصفانه، متعارف و دقیق می‌تواند حاصل شود.

ضرورت قابلیت انعطاف در دکترین مورد تأیید قرار گرفته است. برای مثال «ویشر» از شرط استثناء یا شرط معافیت^۱ به‌عنوان مصداق قابلیت انعطاف نام می‌برد که به قاضی اجازه می‌دهد تا به لحاظ اوضاع و احوال دعوی، از یک قاعده‌ی حل تعارض مطلق اجتناب کند اگر که آن قاعده به نتیجه‌ای غیرمنصفانه منجر می‌شود. نتیجه‌ای که ضرورتاً مغایر نظم عمومی نیست.^۲ این یک حقیقت است که قانون‌گذار هرگز نمی‌تواند همه اوضاع و احوال واقعی را پیش‌بینی کند. مشکلات جدید مستلزم راه‌حل‌های جدید است. فقط منفذ و شکاف مقرر در قاعده‌های کلی می‌تواند میان امنیت حقوقی و عدالت قضایی در یک دعوی خاص تعادل ایجاد نماید.^۳

1. escape clauses

2. Vischer, *General course on private international law*' (1992-1) 232 Recueil des cours, p.106

3. Svantesson Dan Jerker, *Private international law and internet*, Kluwer law international law, (2007), p.68

تمهید شرط معافیت در بسیاری از این مصوبات بر اساس ارتباط نزدیک تر موجب ایجاد یک چارچوب انعطاف پذیر از قواعد حل تعارض شده است. اگرچه به زعم برخی نویسندگان وجود این قاعده موجب ایجاد نتایج غیر قابل پیش بینی می شود.^۱

هرگونه سوء استفاده احتمالی از معیار محل سکونت عادی برای تعیین و اعمال یک قانون مساعدتر و مطلوب تر می تواند از طریق موانع اجرای قانون خارجی مورد کنترل و بازرسی قرار گیرد. شرط معافیت یا شرط استثناء^۲ در آیین نامه های اتحادیه اروپا دارای همین کارکرد است. شرط استثناء قید مندرج در یک سند حقوقی است که برای تکمیل یا ترمیم نقص موجود در قاعده اصلی مورد استفاده قرار می گیرد. مخصوصاً در جایی که قاعده اصلی هیچ ارتباطی با مسئله مطروحه در نزد دادگاه ندارد یا ارتباط ناچیزی با آن دارد. وجود شرط استثناء در واقع پذیرش این ادعاست که هیچ سند حقوقی کامل نیست و تکاپویی برای بهبود و تکامل آن سند حقوقی است. به طوری که به دادگاه اختیار می دهد تا قانون کشوری را که ارتباط نزدیک تری با موضوع دارد، جایگزین کند.^۳

بند ۲ ماده ۲۱ آیین نامه ی قانون حاکم بر ارث نیز بر همین اساس امکان اعمال قانونی غیر از قانون کشور محل سکونت عادی را پیش بینی کرده است.^۴ مطابق بند ۲۵ مقدمه ی آیین نامه در موارد استثنایی برای مثال در جایی که متوفی اخیراً قبل از فوت به کشور محل سکونت عادی خود منتقل شده است و همه ی اوضاع و احوال دعوی دلالت بر این دارد که او در زمان مرگ

۱. نیکبخت، حمیدرضا؛ علیخانی، حمیدرضا؛ «قانون قابل اعمال بر تعهدات غیر قراردادی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۲،

۱۳۸۹، ص ۲۸.

2. Escape clause

3. Okoli, Chukwuma Samuel Adesina and Arishe Gabriel Omoshemime, "The operation of the escape clause in the Rome convention", Journal of Private International Law, Vol. 8 No. 3, (2012), p.513

4. Where, by way of exception, it is clear from all the circumstances of the case that, at the time of death, the deceased was manifestly more closely connected with a State other than the State whose law would be applicable under paragraph 1, the law applicable to the succession shall be the law of that other State

آشکارا با کشور دیگر رابطه‌ی بسیار نزدیک‌تری دارد، مرجع رسیدگی می‌تواند به این نتیجه برسد که قانون قابل اعمال نباید قانون محل سکونت عادی متوفی باشد. بلکه قانون کشوری است که متوفی با آن صراحتاً رابطه بسیار نزدیک‌تری دارد، اما این ارتباط نزدیک نباید به‌عنوان عامل ارتباط فرعی در هر زمان که تعیین محل سکونت عادی متوفی در زمان مرگ پیچیده باشد، مورد استناد قرار گیرد.

۵-۲. احاله؛

محدودیت دیگر بر اعمال قانون کشور محل سکونت عادی ایجاد احاله است و آن در صورتی است که قواعد حل تعارض کشور محل سکونت عادی، قائل به صلاحیت قانون کشور دیگری باشد. احاله در بیشتر آیین‌نامه‌های اتحادیه‌ی اروپا ممنوع اعلام شده است و دادگاه کشور عضو می‌بایست به‌طور مستقیم به قواعد مادی یا ماهوی کشور محل سکونت مراجعه نماید. طرح اولیه‌ی آیین‌نامه‌ی ارث نیز به‌طور کلی احاله را ممنوع کرده بود و دادگاه را مکلف ساخته بود تا به‌طور مستقیم به قواعد مادی کشور محل سکونت مراجعه کند، اما آیین‌نامه‌ی مصوب در نهایت در موارد جزئی احاله را در ماده ۳۴ پذیرفته است. اگر عامل محل سکونت عادی ناظر به قانون یک کشور عضو اتحادیه باشد، احاله ممنوع است. همچنین در صورتی که مورث خود قانون حاکم را انتخاب کرده باشد، احاله ممنوع است؛ زیرا پذیرش احاله در چنین موردی با انتظارات مشروع اشخاص مغایرت دارد. همچنین احاله در موارد اجرای شرط معافیت (استثناء) مذکور در ماده ۲۱ که در بالا مورد بررسی قرار گرفت اعمال نمی‌شود، اما اگر قانون معین در آیین‌نامه به قانون یک کشور عضو احاله دهد مثلاً وقتی تبعه‌ی یک کشور عضو اتحادیه‌ی اروپا در خاورمیانه سکونت عادی داشته باشد و بر طبق قانون آن کشور (محل سکونت عادی)، ارث تابع قانون ملی باشد، احاله پذیرفته می‌شود و دادگاه در آخر بر طبق قواعد مادی کشور عضو اتحادیه رسیدگی می‌کند.^۱

1. Lagard, Paul, op.cit, p.30

۶. قابلیت اعمال محل سکونت عادی در حقوق ایران؛

قاعده‌ی ایرانی حل تعارض در دسته‌ی احوال شخصیه صراحتاً در مورد اتباع ایرانی و نیز اتباع بیگانه از عامل ارتباط تابعیت استفاده کرده است. این قاعده‌ی حل تعارض مبنایی در منابع فقهی ندارد و در اثر ترجمه از حقوق اروپایی وارد قوانین کشور ما شده است. در حالی که کشورهای مبدا این قواعد حل تعارض، خود به بازنگری در آن با ملاحظه‌ی ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی اقدام کرده‌اند، لازم است حقوق ایران نیز با ملاحظه‌ی همه این ضرورت‌ها و نیز در پرتو ایجاد ثبات در روابط خصوصی در عین اعمال قانون دارای ارتباط نزدیک مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

عامل ارتباط محل سکونت عادی در حقوق ایران در هیچ کدام از دسته‌های ارتباط استفاده نشده است، اما در جایی که عامل ارتباط مندرج در هر کدام از قواعد حل تعارض قابل شناسایی یا اعمال نباشد، محل سکونت عادی حداقل در مورد ساکنان کشور ایران می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بر طبق ماده ۵ قانون مدنی کلیه‌ی سکنه‌ی ایران مطیع قوانین دولت ایران هستند مگر اینکه در قوانین طور دیگری مقرر شده باشد. این ماده که منطبق با اصل سرزمینی بودن قوانین است، اصولاً همه‌ی اشخاصی را که در ایران سکونت دارند، صرف‌نظر از منشأ و تابعیت و نیز صرف‌نظر از محل سبب دعوی تابع قوانین ایران قرار داده است. درست است که قانون‌گذار در مواد بعدی به‌طور استثنایی اتباع خارجی را تابع قانون ملی، قراردادهای تابع محل وقوع عقد و... می‌داند، اما همچنان اعمال قانون خارجی در تعارض قوانین یک استثناء محسوب می‌شود؛ بنابراین در مواردی که هیچ قاعده‌ی حل تعارضی وجود ندارد یا اینکه عامل ارتباط قادر به تعیین قانون کشور معینی نیست، باید از حکم استثنایی قسمت اخیر ماده ۵ قانون مدنی عبور نمود و کلیه‌ی سکنه‌ی ایران را مطیع قوانین دولت ایران تلقی کرد.

از سوی دیگر اگرچه قانون گذار در ماده ۷ قانون مدنی اتباع خارجی مقیم در ایران را از حیث احوال شخصیه تابع قانون ملی خود قرار داده است، اما وجود قید «در حدود معاهدات» در این ماده تفسیرهای متفاوتی را برانگیخته است.

ماده ۷ قانون مدنی دارای معنایی دوگانه است. از یک طرف می توان گفت که وجود قرارداد برای تبعیت خارجی از قانون ملی متبوع خود لازم نیست. معاهدات، حدود، توصیف و به طور خلاصه جزئیات چگونگی کاربرد قانون خارجی را بیان می دارند. بدیهی است که آن ها می توانند اجرای قانون خارجی را توسعه داده یا آن را محدود سازند، اما به هر حال در صورت فقدان معاهده، قانون ملی شخص خارجی قابل اجرا است. از طرف دیگر می توان گفت که اعمال قانون خارجی موکول به وجود معاهده بین دولت ایران و دولت خارجی است. در صورت عدم وجود معاهده بین ایران و دولت خارجی، حقوق ایران به عنوان قانون محل سکونت اجرا خواهد شد. دو ماده در قانون مدنی، نظریه ی اخیر را تقویت می کند. طبق ماده ۵ این قانون کلیه ی سکنه ی ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد. همچنین مطابق بند ۲ ماده ۹۶۱ قانون مدنی، خارجیانی نمی توانند از قواعد مربوط به احوال شخصیه حقوق ایران که قانون دولت متبوع تبعه ی خارجه آن را قبول نکرده است متمتع شوند. منظور از «متمتع» در این ماده بهره مند شدن و به عبارت دیگر اهلیت استیفا است.^۱ استدلال اخیر با گرایش جدید در کشورهای مختلف و اسناد بین المللی به سوی عامل محل سکونت عادی و انصراف از معیار تابعیت و اقامتگاه هم سو و منطبق است.

اگرچه به زعم برخی نویسندگان دادگاه های ایران احوال شخصیه اتباع خارجی را بدون وجود معاهده ی تابع قانون دولت متبوع خارجی می دانند.^۲

۱. پروین، فرهاد، پیشین، ص ۲۸۱.

۲. الماسی، نجادعلی، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴، ص ۲۳۶.

فارغ از مباحث فوق، اعمال قانون محل سکونت عادی در دو قسمت مختلف؛ یعنی در مورد اتباع خارجی ساکن در ایران و اتباع ایرانی ساکن در خارج از کشور قابل تحلیل و بررسی است. در مورد آن دسته از اتباع خارجی که در قلمرو ایران حضور داشته و ایران را مرکز منافع خود قرار داده‌اند، قاعده مبتنی بر محل سکونت عادی از یک سو موجب اعمال قانون یکسان فارغ از تابعیت بر همه‌ی سکنه‌ی ایران می‌شود و از سوی دیگر دادگاه را از مصائب استناد و اثبات قانون خارجی که همان قانون تابعیت است، معاف می‌سازد.

درباره‌ی اتباع ایرانی ساکن خارج از کشور نیز اگرچه دادگاه خارجی تابع قاعده‌ی حل تعارض کشور متبوع خویش است و مکلف به اعمال قاعده‌ی ایرانی حل تعارض نیست، اما با توجه به صلاحیت غیرمستقیم دادگاه ایرانی در مرحله‌ی شناسایی احکام خارجی در حال حاضر رأی دادگاه خارجی درباره‌ی احوال شخصیه اتباع ایرانی که بر مبنایی غیر از تابعیت صادر شده است، قابل پذیرش و شناسایی نیست؛ زیرا ماده ۶ قانون مدنی درباره‌ی قانون حاکم بر احوال شخصیه اتباع ایرانی یک قاعده‌ی امری و تخلف‌ناپذیر است. با اصلاح ماده ۶ قانون مدنی، صرف تبعیت از محل سکونت به معنای مخالفت با هنجارها و ارزش‌های اساسی مقرر دادگاه نیست و اعمال قانون کشور محل سکونت عادی به خودی خود موجب عدم تصدیق رأی در دادگاه‌های ایران نمی‌شود مگر اینکه محتوای رأی برخلاف قواعد آمره و نظم عمومی کشور ایران باشد.

واقعیت این است که پذیرش محل سکونت عادی در مورد اتباع ایرانی که در خارج کشور سکونت دارند، در حال حاضر ثمره‌ی عملی چندانی ندارد. از آنجا که قواعد مادی احوال شخصیه از ارث و وصیت تا ازدواج و طلاق جزء قواعد امری و برخاسته از نظم عمومی است، اعمال قانونی غیر از قانون ایران (خصوصاً اگر موجب اعمال حقوق غیر اسلامی بر اتباع ایرانی مسلمان شود) نمی‌تواند مورد تأیید و شناسایی دادگاه‌های ایران قرار گیرد. با این وجود پذیرش قاعده‌ی حل تعارض محل سکونت عادی به رویه‌ی قضایی و دکترین حقوقی اجازه می‌دهد تا در حصار قاعده‌ی تابعیت محبوس نماند و در بستر زمان و مکان با توجه به نسبی بودن مفهوم نظم عمومی

به تحلیل محتوای قانون خارجی و قابلیت انطباق آن با ارزش‌ها و هنجارهای اساسی مقر دادگاه پردازد.

برآمد؛

تحولات اجتماعی و تسهیل ارتباطات برون‌مرزی موجب تضعیف تابعیت و اقامتگاه به‌عنوان عامل ارتباط در دسته‌ی احوال شخصیه شده است. تابعیت به علت فقدان انعطاف لازم مورد انتقاد قرار گرفته است. خصوصاً اینکه در بسیاری موارد ارتباط ضعیفی میان اصحاب دعوی و قانون متبوع آنان وجود دارد. ملاحظاتی از قبیل اصل عدم تبعیض و ضرورت اعمال قانون یکسان بر همه‌ی اشخاصی که در قلمرو یک دولت زندگی می‌کنند، بیش‌ازپیش این عامل ارتباط را تضعیف نموده است.

در مقابل اگرچه اقامتگاه از بسیاری معایب تابعیت مبری است، اما این واژه نیز در طول تکامل تاریخی خود به یک مفهوم مغلق متکی بر معیارهای ذهنی تبدیل شده است. به‌طوری‌که اصحاب دعوی قادر نیستند پیشاپیش و قبل از تصمیم دادگاه، محل اقامت خود را پیش‌بینی نمایند. خصوصاً اینکه در سیستم‌های حقوقی مختلف تعریف‌های کاملاً متفاوتی از آن وجود دارد و لذا بسته به محل طرح دعوی، اقامتگاه اصحاب دعوی متفاوت خواهد بود.

استفاده از محل سکونت عادی به‌عنوان عامل ارتباط واجد مزایای متعددی است. این معیار علاوه بر تأمین انتظارات مشروع اشخاص خصوصی، مرجع رسیدگی را به اعمال قانون کشوری هدایت می‌کند که بیشترین ارتباط را اصحاب دعوی و موضوع آن دارد. به‌علاوه نظر به اینکه معیارهای متعددی برای تعیین محل سکونت به کار می‌رود، دادگاه می‌تواند با ارزیابی اوضاع و احوال هر دعوی نسبت به تعیین محل سکونت عادی اقدام کند. از آنجا که در قواعد صلاحیت قضایی بسیاری از کشورها، دادگاه محل سکونت عادی به‌عنوان دادگاه صالح مورد پذیرش قرار گرفته است، اعمال قانون همان محل موجب ایجاد هماهنگی بین تعارض دادگاه‌ها و تعارض قوانین می‌شود. ارزش این عامل ارتباط بیشتر در جایی نمایان می‌شود که تمرکز بر آن، مرجع رسیدگی را از صعوبت و دشواری

مشکلات اثبات قانون خارجی رها می‌سازد و به‌جای جست‌وجوی قانون متبوع یا قانون اقامتگاه، دادگاه به اعمال قانون محل سکونت عادی می‌پردازد.

اما معیار محل سکونت عادی خود دارای برخی معایب و نواقص است. این معیار در مقایسه با تابعیت، ثبات و قابلیت پیش‌بینی کم‌تری دارد. ممکن است خواهان با سوءنیت و به‌منظور تضييع حقوق طرف دعوی یا اجتناب از اعمال قواعد آمره، محل سکونت عادی خود را تغییر دهد. به‌علاوه اگر مهاجران وابستگی فرهنگی خود را با کشور مبدأ حفظ کرده باشند، اعمال قانون محل سکونت عادی موجب تحمیل ارزش‌های نامتوازن بر آنان می‌شود. همچنین به دلیل عدم تعریف محل سکونت عادی در معاهدات بین‌المللی و حقوق اتحادیه‌ی اروپا، این معیار استانداردهای بالاتری را بر دادگاه تحمیل می‌کند و دادگاه را به بررسی دقیق اوضاع و احوال هر رابطه حقوقی به‌منظور احراز قانون قابل اعمال ملزم می‌نماید.

مزیت ضابطه محل سکونت عادی عمدتاً درجایی نمایان می‌شود که کشورهای مختلف به اعمال قواعد دادرسی و صلاحیت یکنواخت و متحدالشکل بپردازند. به‌طوری‌که در صورت اعمال صلاحیت توسط یک دادگاه، دادگاه همه‌ی کشورهای دیگر از رسیدگی به آن دعوی خودداری نمایند. این سیستم بر طبق آیین‌نامه‌ی بروکسل در سطح اتحادیه‌ی اروپا ایجاد شده است، اما در مقیاس جهان‌شمول به سبب فقدان قواعد دادرسی هماهنگ، ممکن است دادگاه‌های مختلف از کشورهای متعدد خود را محل سکونت عادی اصحاب دعوی قلمداد کنند و هر یک قانون محل دادگاه را بر دعوی مطروحه اعمال نمایند.

فهرست منابع؛

منابع فارسی

- ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۹۵)، *حقوق بین الملل خصوصی: کلیات، تابعیت، اقامتگاه، وضعیت بیگانگان و پناهندگی، استرداد مجرمین و سرمایه گذاری خارجی در ایران*، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
- الماسی، نجادعلی (۱۳۸۴)، *حقوق بین الملل خصوصی*، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- الماسی، نجادعلی (۱۳۶۹)، «تعیین تابعیت و اقامتگاه از دیدگاه تعارض قوانین»، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی، شماره ۱۲، صص ۲۸-۶.
- پروین، فرهاد (۱۳۷۸)، «نگاهی دیگر به قانون حاکم بر احوال شخصیه بیگانگان مقیم ایران»، *مجله حقوقی بین المللی*، شماره ۲۴، صص ۳۲۴-۲۷۷.
- خمایی زاده، فرهاد (۱۳۸۷)، «تعریف و جایابی عامل ارتباط»، *مجله الهیات و حقوق*، شماره ۲۸، صص ۵۶-۳۷.
- نیکبخت حمیدرضا؛ علیخانی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، «قانون قابل اعمال بر تعهدات غیرقراردادی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۵۲، صص ۷۳-۹.

منابع انگلیسی

- Lagarde Paul, Frimston Richard, Odersky Felix (2015), *EU Regulation on Succession and Wills Commentary*, selliereuropean law publishers, by Verlag Dr. Otto Schmidt KG, Köln, Germany.
- Larmont, R. (2007), " Habitual Residence and Brussels IIbis: Developing Concepts for European Private International Family Law", *Journal of Private International Law*, Vol. 3, no. 2, pp.261-281.
- Manko, Rafal, "Habitual residence as connecting factor in EU civil justice measures", [http://www.europarl.europa.eu/RegData/bibliotheque/briefing/2013/130427/LDM_BRI\(2013\)130427_REV1_EN.pdf](http://www.europarl.europa.eu/RegData/bibliotheque/briefing/2013/130427/LDM_BRI(2013)130427_REV1_EN.pdf), 2013, pp1-3

- Mcleod, James (2006), "The meaning of ordinary residence and habitual residence in the Common Law provinces in a family law context", represented by the Minister of Justice and Attorney General of Canada, http://justice.gc.ca/eng/rp-pr/fl-lf/divorce/rthro_cl/pdf/rthro_cl.pdf, pp.1-30
- Okoli, Chukwuma Samuel Adesina and Arishe Gabriel Omoshemime (2012), "The operation of the escape clause in the Rome convention", *Journal of Private International Law*, Vol. 8 No. 3, pp.513-545
- Pfeiffer (2012), "Several Remarks on the Applicable Law under the Proposed EU Regulation of Succession Law". *Ad Notam*, Vol. 17, No. 1.
- Popescu, Dan Andrei (2014), "Guide on international private law in successions matters", Publishing House acknowledged by the Ministry for National Education through the National Council of Scientific Research in Higher Education (CNCSIS) – Code 345, pp. 5-130
- Rohová, Iveta, Drličková Klára (2013), "Habitual residence as a single connecting factor under the succession Regulation", *Scientific Cooperation's International Journal of Law and Politics*, <http://asescoop.org/journals/jLawAndPolitics/papersLaw/9.Rohova.pdf>, pp.107-117
- Symeonides Symeon (2011), "Codification and Flexibility in Private International Law", *General Reports of the XVIIIth Congress of the International Academy of Comparative Law/Rapports Généraux du XVIIIeme Congrès de L'Académie Internationale de Droit Comparé*, © Springer Science+Business Media. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1945924>, pp.167-190
- Svantesson Dan Jerker (2007), *Private international law and internet*, Kluwer law international law.
- Vischer, *General course on private international law'* (1992-1) 232 *Recueil des cours*
- Wouters Jan (2010), "Residence of individual in EU law, Institute for international law", working paper No 148, pp. 1-23
- "Consolidated Version of the Treaty on the Functioning of the European", Available at:



<http://eur-lex.europa.eu/legalcontent/EN/TXT/?uri=celex%3A12012E%2FTXT>,
Last Visited 17/11/2016

- "Regulation (EU) No 650/2012 of the European Parliament and of the Council of 4 July 2012 on jurisdiction, applicable law, recognition and enforcement of decisions and acceptance and enforcement of authentic instruments in matters of succession and on the creation of a European Certificate of Succession", Available at:
<http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=celex%3A32012R0650>, Last Visited 17/11/2016.

Archive of SID